



آیا پیش دبستانی شما «هویت» دارد؟

هیچ تفاوتی ندارند؟ آیا این واحدهای آموزشی، هویت ویژه‌ای دارند که برای همیشه در اندیشه کودکانی که در آن‌ها حضور یافته و تربیت شده‌اند، رسوب کند و ماندگار شود؟ آری، می‌خواهیم از هویت داشتن واحدهای آموزشی با محوریت مراکز پیش دبستانی سخن بگوییم. هویت یا کیستی^۱ یک پدیده می‌تواند از بسیاری عوامل مادی یا معنوی ناشی شود. لیکن علمای تعلیم و تربیت، کیستی و هویت ملل صاحب فرهنگ و تمدن را وابسته به مدارس و واحدهای آموزشی می‌دانند و معتقدند سرمایه اجتماعی هر سرزمین توسعه یافته‌ای، بی‌شک برگرفته از آموزشگاه‌های با هویت همان سرزمین است ولی وقتی سخن از مدرسه و آموزشگاه به میان می‌آوریم، منظورمان آموزشگاهی نیست که هر چند سال یک‌بار نام یا مکان و حتی دوره تحصیلی (پیش دبستانی، ابتدایی و متوسطه بودنش) و دخترانه یا پسرانه بودنش دستخوش تغییر شود. چنین آموزشگاهی، بی‌شک هیچ‌گاه دارای اعتبار و هویت نخواهد شد و در گذرگاه زمان، رد و اثری از آن به جای نخواهد ماند. بهتر است قبل از آنکه نوشته خود را ادامه دهیم، پرسش و فعالیت ساده‌ای را با خوانندگان گرامی در میان بگذاریم: - اسامی مدارس (اعم از پیش دبستانی تا پایان دبیرستان) را که از کودکی تا پایان جوانی در آن‌ها درس خوانده‌اید، به ترتیب روی کاغذ بنویسید. سپس، دست به یک جست‌وجوی ساده بزنید و بگویید هم‌اکنون کدام یک از آن مدرسه‌ها، با همان نام، با همان بنا و چشم‌انداز کلی زمان تحصیل شما وجود دارند؟

۵ سال پیش: به زودی در این مکان «پیش دبستانی آلاله‌ها» ویژه دختران افتتاح می‌شود.

۴ سال پیش: «پیش دبستانی یاوران انقلاب» به زودی در همین مکان از کودکان پسر زیر ۶ سال نام‌نویسی می‌کند.

۳ سال پیش: این ساختمان با کلیه امکانات و اگذار می‌شود. (حدود یک سال ساختمان خالی می‌ماند).

۲ و نیم سال پیش: پارکینگ عمومی آلاله‌ها از ۶ صبح تا ۲۴ شب در خدمت شماست. (حیات نسبتاً بزرگ مجموعه) **۱ سال گذشته:** دبیرستان غیردولتی دوره دوم متین، ویژه دختران با بهترین امکانات و جدیدترین متدهای آموزشی، برای سال تحصیلی جدید تعداد محدودی دانش‌آموز می‌پذیرد...

پنج پارچه‌نوشته یا دیوارنوشته‌ای را که خواندید، از یک مکان مشخص در یکی از محلات بالای خیابان انقلاب تهران برداشته‌ام. البته اسامی و نوشته‌ها را اندکی تغییر داده‌ام تا مکان مدنظر به راحتی شناخته نشود ولی هدفم از مرور وضعیت پنج سال اخیر این ساختمان - که به غیر از سال چهارم، همواره کاربری آموزشی داشته - چیز دیگری است. می‌خواهیم بدانیم چگونه است که یک پیش دبستانی دخترانه، در سال دوم پسرانه می‌شود، سال سوم و چهارم یا خالی می‌ماند یا به پارکینگ تبدیل می‌شود و در سال پنجم، به دبیرستان دوره دوم دخترانه بدل می‌شود. آیا مدرسه دختران و پسران پیش دبستانی با یکدیگر و با مدرسه دختران نسبتاً قد کشیده دوره دوم متوسطه،

البته ممکن است بنای آموزشگاه، به ضرورت، توسعه یافته و بخش‌هایی به آن افزوده یا حتی به دلیل فرسودگی تخریب، نوسازی یا بهسازی شده باشد. همچنین، ممکن است نام آموزشگاه به دلیل ضرورت‌های فرهنگی تغییر یافته باشد. منظورمان چنین چیزهای ساده‌ای نیست؛ هدف، تأکید بر هویت و کیستی ساخته شده در آموزشگاه و ساطع شدن نور آن هویت در زندگی سال‌های آتی کودکان دانش‌آموخته در این آموزشگاه است.

بهتر است بحث را با مثالی دیگر که برگرفته از تجربه زیسته خودم است، پیش ببرم. من تبریزی‌ام و تا اواسط دوره متوسطه را در این شهر درس خوانده‌ام. داشته‌ها، هویت‌ها و کیستی‌هایی که همواره با آن‌ها به خود بالیده‌ام، بی‌شک از مدارسی عاید شده است که در آن‌ها روزگار سپری کرده‌ام. پیش‌دستانی و ابتدایی‌ام در «مدرسه صبا» گذشت. این مدرسه در میانه سال ۱۳۲۵ و قبل از بازگشایی مدارس در مهرماه، هم‌زمان با در هم کوبیده شدن گورستانی قدیمی و بزرگ در میدان کاه‌فروشان تبریز، همراه با چهار آموزشگاه دیگر پا به عرصه وجود گذاشت. زمانی که در این آموزشگاه نام‌نویسی کردم، ۲۳ سال از تأسیس آن مدرسه می‌گذشت. اکنون چند سالی است این مدرسه از بین رفته است؛ درست مانند پیشینه آموزشی، خاطرات و کیستی من از نخستین روزهای حضورم در یک

هدف تأکید بر هویت و کیستی ساخته شده در آموزشگاه و ساطع شدن نور آن هویت در زندگی سال‌های آتی کودکان دانش‌آموخته در آموزشگاه است

محیط آموزشی، که در حال حاضر، لاف‌لاقی از لحاظ فیزیکی وجود خارجی ندارد. این سال‌ها هر وقت به تبریز باز می‌گردم، سری هم به محل مدرسه سابق می‌زنم، ولی متأسفانه با ساختمان غول‌پیکر بی‌هویتی روبه‌رو می‌شوم که در محل دبستان صبا ساخته شده و لاف‌لاقی در بیست سال گذشته، سه بار نام مدرسه و دو بار دوره تحصیلی آن عوض شده است. مدرسه راهنمایی دوره تحصیلم نیز کاملاً از بین رفته و به جای آن مدرسه‌ای دخترانه سر بر آورده که به دلیل دخترانه بودن، گشت‌وگذار در آن عملاً غیرممکن است. در هیچ جای دنیا با مدارس، به مثابه هویت و کیستی جامعه و کودکان و نوجوانان تحصیل‌کرده در این فضاها، چنین برخوردی نمی‌کنند. خدا را شکر که مدرسه دوره متوسطه‌ام، در جای خود ثابت مانده و حتی از لحاظ فیزیکی و امکانات، توسعه یافته‌تر و غنی‌تر هم شده است. این مدرسه دایره که از سال ۱۳۱۳، هم‌زمان با جشن‌های هزاره فردوسی، به نام این شاعر حماسه‌پرداز «فردوسی» نامیده می‌شود، اردیبهشت‌ماه سال گذشته، صدمین سال تأسیس خود را جشن گرفت. از قرار، پیش از آن تاریخ، این آموزشگاه «مدرسه متوسطه تبریز» و پیش از آن «مدرسه متوسطه مبارکه محمدیه» نامیده شده است. استاد میرحبيب ساهر تبریزی^۱، شاعر و نویسنده برجسته آذربایجانی، در رمان ترکی «قیز سسی، قیزیل سسی، قازان سسی» (صدای دختر، صدای طلا، صدای دیگ)، که برگرفته از خاطراتش در دوران مشروطیت است، بارها اسم این مدرسه را می‌آورد و اشاره می‌کند که او و استاد شهریار، از دانش‌آموزان این مدرسه بوده‌اند.

طبیعی است که حیات صدساله این مدرسه، هویت‌ساز و کیستی‌آور است. این مدرسه، کماکان در همان فضایی است که صد سال پیش بوده و بسیاری از بناهای آن، همان بناهایی هستند که سال‌ها پیش از این ساخته شده‌اند و البته نوسازی، مقاوم‌سازی و حتی تغییراتی را به خود دیده است. بسیاری از بزرگان امروز و دیروز ایران، دانش‌آموخته این مدرسه‌اند. نمونه بارز آن استاد شهریار و ساهر است.

مدرسه‌هایی با چنین مشخصاتی، از مصداق‌های عملی سرمایه اجتماعی انباشته



فعالیت عملی

(مدیران واحدهای پیش دبستانی؛ این فعالیت چندبخشی را همراه با کارکنان و مربیان آموزشگاه خود به گفت و گو بگذارند).

۱. شاخصه اصلی پیش دبستانی محل خدمت شما چیست؟ فکر می کنید چه چیزهایی در آموزشگاه شما وجود دارد که کودکان امروز، سال ها بعد آن ها را به یاد خواهند آورد؟
۲. آیا نام واحد پیش دبستانی شما سال هاست بدون تغییر مانده است؟ آیا این نام با مسماست؟

۳. آیا فضاهای آموزشی و پرورشی مدرسه با سن بچه ها متناسب است؟

۴. آیا پیش دبستانی شما دارای پرچم، سرود، کتاب سال، نشریه داخلی، مراسم یا مناسبت اختصاصی و ویژه مواردی از این گونه است که به نوعی مختص شما باشد؟

۵. آیا تاکنون از پرورش یافتگان سال های دوره پیش دبستانی تان، کسانی را شناسایی کرده اید که اکنون سمت های علمی و اجرایی مهمی داشته باشند و آن ها را به جمع بچه ها بیاورید؟

۶. تعلق خاطر بچه های پیش دبستانی شما به محل تحصیلشان چگونه شکل می گیرد؟ آیا این تعلق خاطر با نمادهای هویتی آموزشگاه در ارتباط است؟ چگونه؟

اشک ها می ریزد و شادی ها می کند. این یعنی، تعلق خاطر یک بچه به مدرسه محل پرورش خود براساس هویت های اختصاصی، شناخته شده و تأثیرگذار!

مدرسه های با هویت، آشکار کننده هویت و کیستی جوامع، نمونه هایی از ارگان های اجتماعی تأثیرگذار و مصداق هایی از سرمایه های اجتماعی با ارزش اند؛ در شناسایی چنین آموزشگاه هایی بکوشیم.^۴

پی نوشت ها

1. Identity

۲. میرحبیب ساهر تبریزی (۱۳۶۴-۱۳۸۵ ش)، نویسنده، شاعر و مترجم بزرگ تبریزی. او را پدر شعر نوین ترکی در ایران نام داده اند. وی دارای مدرک تحصیلی آموزش جغرافیا از دانشگاه استانبول و از نخستین مؤلفان کتاب های درسی در ایران بود. آثار فراوانی از ساهر به زبان های ترکی، فارسی و فرانسوی به چاپ رسیده است.

۳. نگاه کنید به: گفت و گو با فریدون پور بهی، مدیر مدرسه سعادت بوشهر. مجله رشد مدیریت مدرسه، مهرماه ۱۳۸۴.

۴. نگاه کنید به: مجدفر، مرضی (۱۳۹۰). در جست و جوی مدرسه های موفق و با کیفیت؛ شاخص ها و ویژگی ها (پژوهش کیفی از طریق مستندسازی مؤلفه ها و مصادیق مدرسه های موفق). پژوهشکده برنامه ریزی درسی و نوآوری های آموزشی.

شده در جوامع به شمار می روند. این قبیل مدارس، علاوه بر هویت بخشی به فراگیرندگان و آموزش کاران خود، می توانند نمونه های عملی از مدارس برتر در سطح شهر، استان و کشور باشند. در «سند تحویل بنیادین آموزش و پرورش» تأکید شده است که مدارس الگو و با هویت می توانند در نهایت موجبات توسعه محلی را فراهم آورند. از این رو، این قبیل مدارس، کانون های توسعه محلی شناخته می شوند و می توانند از ابعاد گوناگون، در پیشرفت و رشد شخصی و اجتماعی دانش آموزان، اولیا و در یک کلام ذی نفعان مرتبط با مدرسه، مؤثر باشند.

به اعتقاد اندیشمندان تعلیم و تربیت و جامعه شناسان، مدرسه های که از تأسیس آن یکی دو سال بیشتر سپری نشده و مدرسه هنوز نتوانسته است برای خود هویتی دست و پا کند، بی شک نخواهد توانست بر پرورش یافتگان خود تأثیری بگذارد. اکنون مدرسه های شناخته شده دنیا، سوابقی در حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ سال دارند. اکثر این مدارس، برای حفاظت از کیستی و سوابق خود، بی وقفه می کوشند و هر آنچه را نشانی از هویت مدرسه دارد، جمع آوری می کنند و در مکان هایی مانند موزه در معرض دید عموم می گذارند. این نمادهای هویتی می توانند مواردی مانند پرچم، سرود، تابلوی سردر ورودی، نشریات داخلی، سال نامه ها، زندگی نامه معلمان و دانش آموزان شناخته شده و معروف، کارپوشه هایی متشکل از فعالیت ها، اوراق، تمرین ها و ردپاهای آموزشی - پرورشی فارغ التحصیلان مدرسه و مواردی از این گونه باشند. صدها افسوس که دبیرستان محل تحصیل من، فردوسی، چنین قابلیتیی ایجاد نکرده است؛ در حالی که مدرسه سعادت بوشهر که قدمت آن نیز چون فردوسی صد سال است، دارای موزه های آموزشی در درون مدرسه است که واقعاً مشاهده آن حس و حال غریبی را در انسان زنده می کند.^۳ درست است که مدرسه های سعادت و فردوسی، هر دو مدتی است وارد کلوپ مدرسه های صد ساله شده اند، بی شک مدرسه ای می تواند هویت خود را به رخ بکشد که نمادهای هویتی اش جمع آوری و طبقه بندی شده و قابل مشاهده باشد.

دوستی که پسری پیش دبستانی داشت، برای یک فرصت مطالعاتی یک ساله عازم استرالیا شد. مرکز پیش دبستانی محل پرورش فرزند دوست من، از پیش دبستانی های قدیمی تهران است و علاوه بر پرچم، سرودی دارد که هر روز صبح در مراسم آغازین مدرسه پخش می شود و بچه ها نیز همه با هم آن را زمزمه می کنند. وقتی دوستم و خانواده اش به استرالیا رفتند، فرزندشان را در یک پیش دبستانی محلی ثبت نام کردند که به گفته خودشان امکانات فراوانی دارد و چندین ده سال از عمرش می گذرد. دوستم می گفت که فرزندش هفته ای دو سه بار، او را وادار می کند که سرود پیش دبستانی اش در ایران را برایش پخش کند و او با لحظه لحظه و فراز به فراز سرود، همراه می شود و به یاد روزهای حضورش در ایران و دوستان پیش دبستانی اش،

مدرسه های با هویت، آشکار کننده هویت و کیستی جوامع، نمونه هایی از ارگان های اجتماعی تأثیرگذار و مصداق هایی از سرمایه های اجتماعی با ارزش اند